

تنها معلمان رشد یافته تحول می‌آفرینند

یدالله رهبری نژاد

عضو شورای برنامه‌ریزی مجله

اشاره

بهمن ماه، یادآور پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) است. یکی از ویژگی‌هایی که همواره در تاریخ سی‌وسه‌ساله‌ی انقلاب اسلامی ما خودنمایی کرده و در رأس برنامه‌های فرهنگی - تربیتی درخششی وصف‌ناپذیر داشته است، تأکید بر تحول، نوخواهی، نوجویی و تغییر است و این همان نکته‌ای است که به سیاست و برنامه‌ی عملیاتی اول و آخر این روزهای آموزش و پرورش کشورمان تبدیل شده است. به مناسبت فرارسیدن بهمن، ماه پیروزی انقلاب اسلامی، یادداشت آغازین این شماره به وجهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی و بازنمایی جنبه‌هایی از ابعاد تعلیم و تربیتی آن اختصاص یافته که به وسیله‌ی یکی از اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله نوشته شده است.

ماه بهمن در حافظه‌ی تاریخی ما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و هر سال با نزدیک شدن به آن، حس و حال خاصی پیدا می‌کنیم و باعث می‌شود تا جلوه‌های متنوع و خاطرات شیرین بهمن ماه سال ۱۳۵۷ در مقابل چشمان ما متجلی شود.

اینک سی‌وسه سال از آن واقعه‌ی بزرگ می‌گذرد و در این مدت قلم‌ها در وصف آن و سخن‌ها در عظمت آن، بسیار نوشته و گفته‌اند. همچنین در این زمینه فیلم‌های زیادی اکران شده است و این رویداد را از ابعاد و منظرهای مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. علاوه بر این به منظور آگاه‌سازی نسل جدید با پیشینه‌ی تاریخی کشور و اهداف و ثمرات انقلاب اسلامی در قالب محتوای آموزشی، به دانش‌آموزان مقاطع تحصیلی آموزش داده شده است.

در این مجال اندک امکان پرداختن به



تصویرگر: فریبندی

همه‌ی ابعاد انقلاب میسر نیست لکن آن را از دید تعلیم و تربیت مورد واکاوی بیشتری قرار می‌دهیم.

با قدری تأمل در اندیشه‌ی بنیادی و مبانی فکری که منشأ پیدایش انقلاب اسلامی شد، می‌توان دریافت که ماهیت آن به‌طور عمده فرهنگی و عقیدتی است. به عبارت دیگر انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی است و به واسطه‌ی فرهنگی بودن آن، رابطه‌ی بسیار عمیق و وسیعی با تعلیم و تربیت دارد و انتظار هم این بود که نظام تعلیم و تربیت کشور متناسب با آن تحول اساسی، تغییر یافته و سازوکار لازم برای تحقق آرمان‌های انقلاب را مهیا سازد.

شاید بتوان تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران را که هرچند با تأخیری چندساله به منصفی ظهور رسیده است، ادامه‌ی منطقی آن رویداد بزرگ تلقی کرد، زیرا همان‌طور که ذکرش گذشت هر حرکت نظام‌مند و هدف‌دار بدون توجه به شرایط و بسترهای مناسب و هموار، به سرمنزل مقصود نخواهد رسید. به عبارت دیگر از جمله لوازم تحقق اهداف انقلاب اسلامی، بازسازی ارکان و مؤلفه‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت کشور است، چرا که برای رویارویی مناسب و مؤثر با مسائل و چالش‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... بستری مناسب‌تر و کارسازتر از نظام تعلیم و تربیت نیست و به‌همین دلیل همواره به‌عنوان پیش‌نیاز دست‌یابی به توسعه‌ی پایدار محسوب می‌شود. به همین منظور در برنامه‌ریزی‌های توسعه در میان ملل مختلف این مقوله از عناصر نظام حکومتی به شکلی ویژه مورد توجه قرار می‌گیرد.

حال اگر از میان مجموعه نهادهای اجتماعی موجود در کشور، نهاد تعلیم و تربیت اولویت بیشتری در کمک به تحقق اهداف انقلاب دارد، نگاه متوازن به همه‌ی مؤلفه‌ها و ارکان متشکله‌ی آن نیز از اهمیت خاصی برخوردار است و در بازسازی آن باید عرصه‌های مختلف هدف‌گزینی، انتخاب محتوا، روش‌های تدریس، صلاحیت‌های حرفه‌ای کارگزاران و معماران نظام تعلیم و تربیت یعنی معلمان مدنظر قرار گیرد. عطف توجه به نکات زیر می‌تواند ما را در اقدامات تحول‌آفرین آینده کمک کند:

✓ بازسازی نظام تعلیم و تربیت، هم‌سو کردن آن با روند توسعه،

همانند آن‌چه که در کشورهای توسعه‌یافته بعد از جنگ جهانی دوم و در گام نخست بازسازی جامعه به شکل جدی مورد توجه قرار گرفت، ضرورتی جدی است و در این مسیر معطوف ساختن اهداف نظام تعلیم و تربیت به نیازهای اساسی جامعه، مسئولیتی اجتناب‌ناپذیر است.

✓ ابتدای محتوای درسی دانش‌آموزان بر آخرین یافته‌های علوم، فنون و تکنولوژی، متناسب با نیازهای فردای جامعه از جمله اصولی است که اثرات تخریبی عدول از آن جبران‌ناپذیر خواهد بود.

✓ فاصله گرفتن از الگوها و روش‌های تدریس سنتی سنگ بنای یک اقدام نوگرایانه در عرصه‌ی تعلیم و تربیت است، تا جایی که **اگر معلمان یک نظام تعلیم و تربیت شهامت ترک نگرش‌ها و تعلقات مربوط به روش‌های سنتی خود را نداشته باشند هرگز امکان ورود به اقیانوس بی‌کران علم را پیدا نخواهند کرد و قادر نخواهند بود تحول‌آفرین و منشأ انقلاب و دگرگونی در عرصه‌های مختلف تعلیم و تربیت باشند.** به قول تولستوی: «برای کشف اقیانوس‌ها باید شهامت ترک ساحل امن و آرام خود را داشته باشی. چون دنیای ما دنیای تغییر است، نه دنیای تقدیر.»

بنابراین معلمان رشدیافته و آنانی که فرایند «شدن» را تجربه کرده‌اند، قادر خواهند بود متربیان خود را به انسان‌های تغییرپذیر و تحول‌آفرین مبدل سازند.

بدیهی است که این امر مستلزم دوری جستن از الگوهای سنتی و افزایش قابلیت‌ها و صلاحیت‌های معلمان در این زمینه‌هاست. در غیر این صورت کامل‌ترین و مترقی‌ترین برنامه‌های درسی نیز در عمل به تغییرات معنادار در عرصه‌ی تعلیم و تربیت منجر نخواهد شد.

به عبارت دیگر اگر معلمان ما به پیشرفته‌ترین و جدیدترین رویکردهای آموزشی تجهیز نشوند امید به پیشرفت، تغییر و دگرگونی در ابعاد مختلف علمی، تکنولوژیکی و... خیالی بیش نخواهد بود.

تحقق چنین انتظاری مستلزم برنامه‌ریزی‌های اساسی به‌منظور ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان است و مقدار موفقیت جامعه، معادل میزان سرمایه‌گذاری‌هایی است که در این زمینه مصروف می‌گردد و درجه این اهمیت تا بدان حد است که می‌توان گفت بقای جامعه به اجرای این وظیفه‌ی خطیر بستگی دارد.